

## بیمه، توسعه و زندگی اقتصادی در جامعه

دکتر حسین عظیمی  
(استاد دانشگاه)

در این مقاله سعی بر آن بوده است که به تحلیل جایگاه بیمه در اقتصاد پرداخته شود. این بحث در پنج زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است: اول «شناخت ما از اقتصاد جامعه محدود است»؛ دوم، «اقتصاد ما اساساً قوی‌تر از اطلاعات و آمارهای مرسوم است»؛ سوم، «ظرفیتهای بالقوه اقتصاد ما قابل ملاحظه است»؛ چهارم، «چه عوامل و عناصری مانع استفادهٔ بهینه از ظرفیتهای اقتصادی می‌شوند»؛ و پنجم، «بیمه، عاملی تقویت‌کننده است و جایگاه آن در محدودهٔ تقویت‌کننده‌ها و محدودکننده‌ها کجاست». در مورد شناخت باید گفت که ما در اقتصاد به انگیزهٔ لازم برای شناخت مطلوب، که مسلماً پایهٔ هر نوع تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجراست، نیاز داریم. برای ایجاد انگیزه هم وجود سه عامل «تفکر و اندیشهٔ لازم»، «آمار و اطلاعات مورد نیاز» و «محیط مناسب» ضروری است. در شناخت این عوامل اغلب ما دچار ضعف هستیم. در مورد محدودیت آمار و اطلاعات سعی خواهد شد که براساس مجموعه آمارها و حسابهای ملی که می‌توان گفت از بهترین آمارهای نسبی ماست مطالبی ارائه شود تا مشخص گردد که ما در این زمینه دچار ضعف هستیم. براساس آمار بانک مرکزی ایران و با اتکا به حسابهای ملی که در اختیار ما قرار گرفته، درآمد سرانهٔ کشور در سال ۱۳۷۴ به قیمت‌های این سال ۲/۴۶۰ هزار ریال یا ۲۴۶ هزار تومان در سال بوده است. این ارقام به چه درد می‌خورد و در بردارندهٔ چه نکاتی است. آیا توان تولیدی یا مصرفی ما را مشخص می‌کند؟ یا سطح رفاه جامعه را؟ آیا جایگاه نسبی ما را در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد؟

در مورد سؤال آخر، ما باید بدانیم که درآمد سرانهٔ دلاری ما چقدر بوده است. تلاش

برای کسب اطلاع در این زمینه بدانجا رسید که چنین رقمی را تاکنون هیچ مرجع رسمی اعلام نکرده و تخمین کاملی نیز در این مورد زده نشده است. ناگزیر باید دست به دامان حدس و گمان شد. سال ۱۳۷۴: اول اینکه نرخ بازار غیر رسمی ارز حدود ۵۰۰۰ ریال برای دلار مینا قرار گیرد. بر این اساس درآمد سرانه ایران ۵۰۰ دلار تخمین زده می‌شود؛ گمان دیگر اینکه، نرخ ارز صادراتی کشور حدود ۳۰۰۰ ریال است. بر این اساس درآمد سرانه ما ۸۰۰ دلار خواهد بود؛ در گمان سوم، نرخ مؤثر بودجه‌ای دلار، حدود ۲۰۰۰ ریال لحاظ می‌شود. بر این مینا درآمد سرانه ما حدود ۱۲۰۰ دلار تخمین زده می‌شود؛ و سرانجام، اگر نرخ برابری و قدرت خرید را حدود ۱۲۰۰ ریال تخمین بزیم درآمد سرانه حدود ۲۰۰۰ دلار به دست می‌آید. بدین قرار و با گمانه‌زنی اریبه ما، دامنه درآمد سرانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار به دست می‌آید. حال پرسش این است که درآمد سرانه واقعاً چقدر است؟ یک راه یافتن پاسخ آن است که کشورهای با این سطوح درآمد سرانه را در نظر بگیریم و در مقام مقایسه دریابیم که آیا ما جزو کشورهای با درآمد سرانه ۵۰۰ دلار هستیم یا ۸۰۰ دلاریها؛ در میان کشورهای با درآمد سرانه ۱۰۰۰ دلار قرار داریم یا ۲۰۰۰ دلار. براساس قدرت خرید و در همین مقطع زمانی، مورد به مورد مثالهایی می‌آوریم و به مقایسه می‌پردازیم. در مورد کشورهای که حدود ۵۰۰ دلار درآمد سرانه دارند می‌توانیم به این کشورها اشاره کنیم: چاد ۴۵۰ دلار، زئیر ۴۷۰ دلار، گینه ۵۰۰ دلار، نیجر ۵۴۰ دلار، بوتان ۶۲۰ دلار، برونی ۶۴۰ دلار و بورکینافاسو ۶۶۰ دلار. به نظر نمی‌رسد که سطح زندگی ایران در حد این کشورها باشد. در مورد رقم ۸۰۰ دلار می‌توانیم چند کشور را نام ببریم: افغانستان ۷۰۰ دلار، کومور ۷۰۰ دلار، ماداگاسکار ۷۱۰ دلار، گامبیا ۷۶۰ دلار، مالاوی ۸۰۰ دلار و لیبیا ۸۶۰ دلار که با وجود اندک آشنایی با اوضاع و احوال این کشورها می‌توان دریافت که سطح زندگی اقتصادی ما در حد ۸۰۰ دلار هم نیست. به درآمد سرانه ۱۲۰۰ دلار می‌رسیم و چند کشور را نام می‌بریم: آنگولا ۱۰۰۰ دلار، نپال ۱۱۳۰ دلار، بنگلادش ۱۱۵۰ دلار، ویتنام ۱۲۵۰ دلار، نیجریه ۱۳۶۰ دلار و یمن ۱۳۷۰ دلار که به نظر نمی‌رسد با اینان هم بشود در دو کفه ترازو نشست. پس به سراغ کشورهای با درآمد سرانه ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار می‌رویم و به کره شمالی (۱۸۰۰ دلار)، گویان (۱۸۶۰ دلار)، پاکستان (۱۹۶۰ دلار)، السالوادر (۲۱۱۰ دلار)، مغولستان (۲۲۵۰ دلار) و بولیوی (۲۲۰۰ دلار) اشاره می‌کنیم. ولی برای هر دانش آموخته‌ای در این زمینه و با کم و بیش آشنایی، به نظر می‌رسد که اقتصاد ما حتی با

اقتصاد ۲۰۰۰ دلاری هم مقایسه پذیر نیست.

بنابر این، برای اینکه دریابیم با چه درآمد سرانه‌ای زندگی می‌کنیم باید بیشتر کار کرد و اطلاعات قابل اطمینانی به دست آورد. یک راه آن است که ما تولید ملی مان را با قیمت‌های بین‌المللی بسنجیم و ببینیم چه اطلاعاتی به ما خواهد داد. به منظور بررسی تولید ملی مان در سال ۱۳۷۴ به قیمت‌های بین‌المللی، فقط به چند بخش اشاره می‌کنیم. برای مثال: مسکن شهری حدود ۳۰ میلیون متر مربع تولید فیزیکی دارد که می‌توان آن را تولید نهایی فرض کرد. اگر قیمت هر متر مربع را ۱۰۰۰ دلار در نظر بگیریم، حدود ۳۰ هزار دلار ارزش افزوده نهایی به ما می‌دهد؛ در بخش انرژی، روزانه حدود ۱/۶ میلیون بشکه نفت خام تصفیه و برای مصرف داخلی توزیع می‌شود که با حداقل قیمت‌های بین‌المللی ارزش افزوده آن حدود ۴۰ میلیارد دلار است؛ آموزش عمومی کشور ۲۰ میلیون نفر سال است که اگر نفر سالی را ۱۵۰۰ دلار فرض کنیم ۳۰ میلیارد دلار می‌شود. همچنین در سایر بخشها مانند کشاورزی نیز ما ارزش افزوده داریم. اگر فقط این بخشها را در نظر بگیریم در مجموع ۱۵۰ میلیارد دلار با قیمت بین‌المللی به ما تولید می‌دهد. با محاسبه سایر بخشها و دیگر امکانات (که اگر اینها ۵۰ درصد تولید باشند) ما به رقم درآمد ۳۰۰ میلیارد دلار تولید دست می‌یابیم، یعنی درآمد سرانه حدود ۵۰۰۰ دلار. اگر درآمد مجموع ما ۳۰۰ میلیارد دلار باشد نرخ مؤثر دلار ۶۱۰ ریال خواهد شد، یعنی برابری قدرت خرید ۶۱۰ ریال است. درحالی که چنین نیست. نرخ برابری بالای ۶۱۰ ریال است. نباید فراموش کنیم که اگر درآمد سرانه ۵۰۰ دلار باشد کل تولید ملی ۳۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود. و اگر ۵۰۰۰ دلار باشد ۳۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. خود ما و منطقه ما نمی‌دانیم که با چه اقتصادی عمل می‌کنیم به عبارت دیگر اگر تولید ما در سال ۳۰۰ میلیارد دلار باشد ما قطعاً قدرت برتر اقتصادی منطقه هستیم و تهران نیز پایتخت منطقه که نیازهای خاص خود را خواهد داشت. اگر هم دارای اقتصاد ۳۷ میلیارد دلاری هستیم که قضیه دیگری است.

این بحث شامل دو نکته بود. اول آنکه ما اقتصادمان را درست نمی‌شناسیم، به دلیل اینکه انگیزه‌های کار در زمینه اقتصاد محدود بوده و اندیشه‌ها و تفکرات لازم را به این کار اختصاص نداده‌ایم. آمار و اطلاعات ما - که این آمار از بهترین آنهاست - دارای این مشکلات است. محیطی که بتواند این آمار را تلفیق کند یعنی مؤسسات پژوهشی متعدد که بتوانند به طور مستقل به تحقیق پردازند وجود ندارد؛ رسانه‌هایی که این یافته‌ها را با

تعهد و مسؤولیت موشکافی کنند اندکند ولی به هر حال نشانه‌ها می‌گویند که اقتصاد ما قوی‌تر از ارقامی است که آمارهای مرسوم به ما می‌دهند. نکته سوم در زمینه ظرفیتهای ماست. با فرض اقتصاد نسبتاً قوی، مطالعات پراکنده بسیار است. برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر ما نرخ ارز و نظام بازار را جابه‌جا کنیم چه می‌شود و ظرفیت ما چه خواهد بود؟ تنها راه، توسل به یک نگرش عمومی دیگر است. می‌توان گفت که در دنیای معاصر ظرفیت بالقوه در هر کشور از کشورهای جهان همان ظرفیت متوسط کشورهای صنعتی است مگر آنکه بتوانیم عوامل محدودکننده مشخص و آثار آنها را با این ظرفیت تعیین و ظرفیت را تعدیل بکنیم. بر این اساس، محاسباتی برای این سمینار انجام گرفته که اگر ما نکات محدودکننده را فعلاً کنار بگذاریم ظرفیت اقتصادی ایران چیزی حدود ۱۵۰۰ میلیارد دلار در شرایط فعلی است که در بهترین برآورد، ما فقط از حدود ۳۰۰ میلیارد دلار آن استفاده می‌کنیم. در این ظرفیت، ما با ۲۰ درصد از اقتصاد جامعه‌مان کار می‌کنیم که البته پرسشهای چندی برای ما و سایر بخشها مطرح می‌کند.

در شرایطی که ما نیاز به شکوفایی اقتصادی داریم این مطلب جای چرا دارد. در این مورد باید به محدودکننده‌ها بازگردیم. در این زمینه، دو عامل وجود دارد: فیزیکی و مادی و غیر فیزیکی. در کشورهای صنعتی سرچشمه زاینده تقاضا، پژوهش، توسعه و نوآوری است. در ایران سرچشمه سازنده تقاضا فعالیتهای پولی و مالی دولت است و نظام بانکی وی. به هر حال خود تقاضا محدود نیست. منابع طبیعی و موقعیت استراتژیکی کشور، مزیتی نسبی است و در زمینه نیروی انسانی تلاشگر متخصص، سرمایه‌گذار و نظایر آن هم محدودیت نداریم. محدودکننده‌های ما، در زمینه‌های غیرمادی است که به دو دسته تقسیم می‌شوند: آن دسته که در پوشش عوامل فرهنگی مطرح می‌شوند و دسته دیگر محدودکننده‌هایی که در پوشش عوامل نهادی مطرح می‌گردند. در مورد نخست، برای استفاده بهینه از ظرفیت باید از مجموعه فرهنگی برخوردار باشیم که به خصلت نیکو و اساسی انسان باوری، علم باوری و آینده باورری آراسته باشد که به نظر می‌رسد در هر سه مورد ما مسأله داریم؛ در مفاهیم، ضعف اساسی داریم که به حوزه تفکر و اندیشه منتقل می‌شود و طبیعی است که چون اندیشه در نهایت بر رفتار اقتصادی و غیر اقتصادی حاکم خواهد بود ضعف مفاهیم هم به ضعف عمل اقتصادی منجر خواهد شد.

اما در مورد دوم، عوامل نهادی: ما در حوزه مدیریت مشکل مفاهیم داریم. ما هنوز

حکومت مقتدر و کارا را (که با درجه کارایی در عملیات سنجیده می شود) از حکومت دولت سالار (که با حجم دولت و شیوه های دخالت دولت سنجیده می شود) از هم جدا نمی کنیم و دولت کوچک و بزرگ را به این صورت نمی سنجم. مرز بین اداره و حکومت را درست تشخیص نمی دهیم. در مبانی علمی، در مجموعه نظام آموزش عالی مان با فقدان استقلال، ضعف ترکیب و نقطه گرایی مواجه هستیم که همگی از عوامل محدود کننده به شمار می روند. در مبانی پولی و مالی نیز با نظامهای ضعیف سرمایه ای مواجه ایم. در نهادهای متناسب سازی ریسک تولید و تسهیل فراگرد تولید، در نظام حقوقی، در مؤسسات پژوهش و توسعه، در نظام استاندارد، در نظام حمل و نقل و انبارداری، در نظام مالی پشتیبانی کننده، در نظام سیاستهای خارجی و در نظام بیمه نیز با مشکل مواجه هستیم. همینجاست که جایگاه بخش بیمه در مجموعه این فعالیتها برای ما مشخص می شود. بیمه هم جزو محدود کننده هایی است که حداکثر استفاده ما از ظرفیت را به ۲۰ درصد تقلیل می دهد. خود بیمه نیز در اساس از دید توسعه با چند مسأله مواجه است. یکی از اصول توسعه، توازن است و دیگری اصل بحران و ریسک. بحث گسترش افق دید در دنیاهای ناشناخته است و همه ضعفها در نهادها عملاً به افزایش ریسک در سرمایه گذاری منتج می شود و این هم طبیعتاً حجم ریسک را بالا می برد و تقاضا برای بیمه را افزایش می دهد.

در شرایط نوسازی اقتصاد، حجم وسیع تری از بازار بیمه در اختیار ما خواهد بود. با ذکر ارقامی از اوضاع بیمه جهانی در خواهیم یافت که تصور ما از بیمه، تصویری کاملاً متفاوت است: مجموع حق بیمه در سال ۱۹۹۴ حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار است یعنی حدود ۶/۵ برابر کل تولید ملی ایران، و جالب آن است که حدود ۱۷۰۰ میلیارد آن فقط در ده کشور جهان تولید شده است. ژاپن با حدود ۶۰۰ میلیارد دلار رتبه اول را دارد و پس از این کشور، امریکا با حدود ۶۰۰ میلیارد دلار، آلمان با حدود ۱۳۰ میلیارد دلار، انگلستان با حدود ۱۱۶ میلیارد دلار، فرانسه با حدود ۱۱۰ میلیارد دلار، کره جنوبی با حدود ۴۵ میلیارد دلار، ایتالیا، کانادا، هلند و سوئیس با حدود ۱۷۰۰ میلیارد دلار، در رده های بعدی قرار دارند. این ۲۰۰۰ میلیارد دلار در زمینه بیمه و پوشش ریسک با حداقل متناسبی که سرمایه گذاری امکان داشته باشد تا چه حد در فراگرد توسعه مؤثر و مهم خواهد بود.

در نتیجه گیری از بحث می توان گفت که اقتصاد ما قوی تر از آنی است که می شناسیم

و در این اقتصاد ظرفیتهای به مراتب بالاتر داریم. محدودکننده‌های غیرمادی که فعالیتهای بیمه‌ای هم در کنار آنها قرار دارد، ظرفیت ما را محدود کرده که امیدواریم فراگرد گسترشی که مورد عنایت دست‌اندرکاران قرار گرفته، از دیدگاه علمی بررسی شود و پیش برود تا ما بتوانیم محدودیتها را از پیش‌پا برداریم و از ظرفیتهای مان به شکل مطلوب استفاده کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی